

مقایسه‌ی تأثیر داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و داستان‌های

عادی بر رشد تفکر فلسفی کودکان پایه‌ی اول ابتدایی

فرشید قاسمی*^۱، زهرا زارع^۲، شهربانو حقیقت^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و داستان‌های عادی بر رشد تفکر فلسفی کودکان پایه اول ابتدایی شهر شیراز اجرا شده است. در این پژوهش از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی استفاده شده است، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای ۵۴ دانش‌آموز پسر و ۴۱ دانش‌آموز دختر از ناحیه یک آموزش و پرورش شیراز انتخاب و در گروه‌های داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و داستان‌های عادی، با توجه به جنسیت تقسیم شدند (۶ گروه). ابتدا پیش‌آزمون تفکر فلسفی فیلیپ کم روی گروه‌ها اجرا شد، سپس گروه‌ها به مدت ۱۰ هفته تحت آموزش‌های لازم قرار گرفتند و در انتها پس از آزمون بر روی آنها اجرا شد. نتایج حاصل از این تحقیق با استفاده از روش نمره‌ی افزوده، آزمون t، تحلیل واریانس و آزمون تعاقبی شفه نشان داد که فرضیه‌ی اول پژوهش مبنی بر تأثیر داستان‌های فلسفی ایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان اول ابتدایی تأیید شد ($P \leq 0/04$ ، $t = 2/07$)، فرضیه‌ی دوم پژوهش مبنی بر تأثیر داستان‌های فلسفه غیرایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه اول تأیید نشد. نتایج فرضیه‌ی سوم نشان داد که دانش‌آموزانی که با کتاب‌های فلسفی ایرانی آموزش دیده‌اند، نسبت به دانش‌آموزانی که کتاب‌های فلسفی غیرایرانی یا عادی را مورد استفاده قرار داده، از میانگین بالاتری در تفکر فلسفی برخوردارند. فرضیه چهارم پژوهش، میانگین بالاتر تفکر فلسفی پسران را در مقایسه با دختران در داستان‌های فلسفی ایرانی نشان داد و بالاخره در فرضیه‌ی آخر، تفاوت معنی‌داری بین پسران و دختران که داستان‌های غیرایرانی را استفاده کرده بودند، دیده نشد.

واژه‌های کلیدی: تفکر فلسفی کودک، داستان‌های فلسفی، داستان‌های عادی، رشد تفکر فلسفی.

۱- دکترای برنامه‌ریزی درسی، اداره کل آموزش و پرورش فارس.

۲- فوق لیسانس علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.

۳- دکترای تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مرکز تربیت معلم شهید باهنر شیراز.

* (نویسنده مسئول)، farshidghasemi@yahoo.com

مقدمه

صاحب نظران مختلفی مانند ماتیو لیپمن، مارگارت شارپ، فلیپ کم، ناجی و خسرو نژاد درباره‌ی آموزش فلسفه به کودکان اظهار نظر کرده‌اند. آنها می‌گویند اگر هدف آموزش و پرورش، آموزش تفکر به جوان ترهاست، پس چرا این همه افراد غیرمتفکر به جامعه تحویل می‌دهند؟

برنامه‌ی فلسفه برای کودکان لیپمن یکی از موفق‌ترین تلاش‌ها، در جهت آموزش تفکر است که از سطح کودکان تا دانشگاه تهیه شده است (Fisher, 2003).

اصطلاح P4c¹ یا همان فلسفه برای کودکان به طریقی بنا نهاده شده است که در کودکان یک تا سیزده سال سبب رشد عقلانی و دقت زیاد شود و به ایشان کمک کند تا آن دسته از توانایی‌هایی که برای یک قضاوت صحیح در زندگی روزمره نیاز دارند را پرورش دهند (Lipman, 1983).

درباره‌ی پیشینه‌ی این برنامه در ایران، برخی بر آنند که ابوریحان بیرونی، اولین کسی است که با نگارش کتاب التفهیم (درباره‌ی آموزش مقدمات ریاضی و نجوم به کودکان) و تقدیم آن به کودکی خیالی بنام ریحانه، گام اول را در این عرصه برداشته است. شیوه‌ی نگارش التفهیم بدین گونه است که نخست ریحانه (کودک خیالی)، پرسش‌های خود را مطرح می‌سازد و پس از آن، ابوریحان به پاسخ آنها می‌پردازد. متأسفانه بعد از ابوریحان کسی راه او را پی‌نگرفت و بدین ترتیب شیوه‌ی بدیع آموزشی او به فراموشی سپرده شد. برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان به صورت یک طرح هدفمند، نخستین بار در سال ۱۳۷۳ توسط بنیاد حکمت اسلامی صدرا در ایران شناخته شد (Aghayani Chavoshee, 2008).

در اجرای این برنامه در داخل کشور با استفاده از داستان‌های ایرانی و غیرایرانی، فواید جانبی گوناگونی ذکر شده که از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آنها می‌توان به رشد اعتماد به نفس و خودباوری در کودکان، توجه به استدلال در سخنان، رشد همکاری در میان آنها و ارتقای سطح داوری اشاره کرد.

به نظر می‌رسد که بررسی و مقایسه تاثیر داستان‌های ایرانی و غیرایرانی بر رشد تفکر فلسفی کودکان، از موضوعاتی است که باید به آنها پرداخته شود.

دانش ما درباره‌ی تفکر تا حد زیادی از دو سنت متمایز فلسفه و روان‌شناسی، ناشی می‌شود. فلاسفه مدت‌ها ذهن انسان را به مثابه جایگاه عقل و پرورش عقل را هدف نهایی تعلیم و تربیت دانسته‌اند. فلسفه، مطالعه‌ی تفکر را از طریق تحلیل، استدلال و به

کارگیری منطق مورد تاکید قرار داده است و روان‌شناسان درباره ساختارهای ذهن مطالعه کرده‌اند (Fisher, 2001). از طرف دیگر از دیرباز تاکنون در خصوص این که فلسفه چیست؟ پاسخ‌های مختلفی ارائه شده که با جمع‌بندی این پاسخ‌ها، می‌توان آنها را در دو دسته جای داد. دسته‌ای فلسفه را مجموعه‌ای از آراء و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلسفی می‌دانند و دسته دوم فلسفه را عبارت از عمل فلسفی در نظر می‌گیرند و فیلسوف راکسی می‌دانند که به‌طور فلسفی اندیشه می‌کند (Marashi, 2006).

اگرچه روانشناس برجسته (ژان پیاژه) بر این باور بود که کودکان توانایی تفکر نقادانه را تا سن یازده تا دوازده سالگی ندارند؛ اما تجربیات بسیاری از فیلسوفان و معلمان کودکان این رده سنی حاکی از این است که کودکان از پرسش فیلسوفانه حتی در سنین مدارس ابتدایی برخوردار می‌باشند. تجربیات معلمین گواه این مدعاست که مهارت استدلالی بچه‌ها حتی زودتر از مهارت‌های شناختی و آکادمیک ایشان رشد می‌کند و سبب کمک به آنها می‌شود که یادگیری عمومی را بسیار خوب تجربه نمایند (Lipman, 1995).

پژوهشگران بیان می‌کنند که آموزش فلسفه به کودکان موجب رشد تفکر انتقادی، خلاق و مسئولانه کودکان می‌شود (Safae Moghaddam, 1998). کودکانی که در برنامه‌ی آموزش فلسفه شرکت کرده‌اند، در زمینه‌ی زبان و ادبیات از فعالیت‌های زبانی و کاربرد آن موفق‌تر بوده‌اند. آنها با ایفای نقش و بدیعه‌گویی، می‌توانند عقاید خود و دیگران را بهتر بررسی و ارزیابی کنند، این کودکان در درک و کاوشگری مسائل و مفاهیم بنیادی ریاضی نیز بهتر عمل می‌کنند (Daniel, 1996).

تدریس با روش فلسفی، دانش‌آموزان را بر می‌انگیزد تا خلاقیت‌شان را در ریاضی پرورش دهند و تفکر انتقادی‌شان را بهبود بخشند (LA fortune and Daniel, 2003).

همچنین چون این کودکان جهان اطراف را به دقت مشاهده می‌کنند و تمام تغییرات را زیر سوال می‌برند، در درس علوم نیز پیشرفت‌هایی دارند. با آموزش فلسفه احساسات و عواطف و خلاقیت این کودکان نیز رشد می‌کند و در درس هنر نیز موفق‌تر هستند (Fisher, 2003).

برای انجام برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، کتاب‌های داستانی ویژه کودکان تالیف شده است؛ از جمله‌ی آنها می‌توان به آثار فیلیپ کم اشاره کرد. وی استاد فلسفه در دانشگاه نیو وست ویلز سیدنی بوده است که تالیفاتی تحت عنوان داستان‌های فکری ۱ و ۲ (کندو کاو فلسفی برای کودکان) دارد، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که از داستان‌های فلسفی فیلیپ کم استفاده کرده‌اند برای خود و برای یادگیری خود ارزش قائل هستند و

دارای اعتماد به نفس بهتری هستند و در کلاس پرس و جو می‌کنند و تعامل گروهی مناسبی دارند.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، نویسندگان و اساتید ایرانی نیز اقدام به تالیف کتاب‌هایی درخصوص آموزش فلسفه به کودکان نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های دکتر مرتضی خسرو نژاد (Khosrow Nejad, 2010) اشاره کرد.

درخصوص تاثیر این کتاب‌ها بر رشد تفکر فلسفی کودکان، تحقیقات قابل توجهی صورت نگرفته است؛ به‌ویژه در این مورد که تاثیر کدام یک از داستان‌های فلسفی (ایرانی و غیرایرانی) بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بیشتر است و معلمان چگونه این آموزش‌ها را اجرا کنند، نتایج قابل توجهی به چشم نمی‌خورد. مطالب فوق این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا بین رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزانی که از داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی استفاده می‌کنند، در حال حاضر تفاوتی وجود دارد؟ بنابراین محقق در این پژوهش به دنبال بررسی و مقایسه‌ی تاثیر داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و داستان‌های عادی بر رشد تفکر فلسفی کودکان پایه‌ی اول ابتدایی می‌باشد.

در آموزش فلسفه به کودکان که نوعی کاوش جمعی است، کودکان یاد می‌گیرند که به افکار دیگران احترام گذاشته و آنها را خوب سنجیده و مورد نقد و بررسی قرار دهند و سپس بدون تقلید از دیگران، بهترین‌ها را انتخاب کنند (Marashi, 2006).

چنانچه قرآن کریم نیز در سوره زمر، آیه‌ی ۱۷ می‌فرماید: «بشارت باد به بندگان که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند».

یکی از مهم‌ترین اهداف این برنامه، اصلاح وضعیت آموزش تفکر در تعلیم و تربیت است. در واقع آموزش فلسفه به کودکان به دنبال آن است که به کودکان کمک کند تا بیاموزند چگونه خودشان فکر کنند (Safae Moghaddam, 1998).

طبق تحقیقات متفاوتی که در ایران و خارج از کشور در مورد تفکر فلسفی کودک با کمک گرفتن از داستان‌های فلسفی، انجام گرفته است، به این نتیجه رسیده‌اند که دانش‌آموزان بعد از اتمام دوره‌ها، رشد قابل محسوسی از لحاظ فکری داشته‌اند. مثلاً در لندن خانم لیسنا نایلر (Nailer, 2002) هفته‌ای چند بار برای دانش‌آموزان ساکت، کلاس گذاشت تا با دیگر دانش‌آموزان مشارکت داشته باشند، بعد از اتمام دوره، وی نتیجه‌گیری می‌کند که کودکان قادرند بدون پرخاشگری و با اعتماد به نفس در مورد نظرات یکدیگر بحث نمایند و حس همکاری و همدلی بیشتری در آنها مشاهده می‌شود. نتایج تحقیقی

دیگری، در انگلستان نشان می‌دهد که پروژه‌ی نگرش فیلسوفانه که در مدارس ابتدایی ارائه شده است، یکی از بهترین راه‌هایی است که معلمان می‌توانند به ارزش کارشان در آموزش بیفزایند این کار از طریق، گنجاندن بحث فلسفه به کودکان، از طریق رویکردی بنام (داستان‌هایی برای تفکر) اجرایی می‌شود (Fisher, 2001).

همچنین در تحقیقی دیگر که در ایران صفایی مقدم (Safae Moghaddam, 1998) انجام داد، عنوان کرد که کودک پس از سپری کردن آموزش فلسفه به مهارت‌های زیادی (بهبود توانایی تعقل، پرورش و تقویت خلاقیت، تقویت ارزش‌های اخلاقی، تقویت خودآگاهی و همچنین پرورش تفکر انتقادی) دست پیدا می‌کند.

مرعشی (Marashi, 2006) نیز اعتقاد دارد که اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، غیر از تقویت توانایی‌های تفکر و ارتقای بینش کودکان، نتایج جانبی دیگری نیز به دست خواهد آمد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رشد اعتماد به نفس و خودباوری در کودکان.
- ایجاد روحیه‌ی تعاون و همکاری در ایشان.
- ایجاد علاقه‌مندی به ارتباط کلامی و غیرکلامی با گروه همسالان.
- ارتقاء سطح درسی.

فلسفه‌ی کودک در اکثر کشورهای جهان وارد تعلیم و تربیت شده است، اما در ایران در دوران نوپایی خود به سر می‌برد و این امر موجب شده تا نظر محققان این رشته را به خود جلب کند. در این تحقیق، رشد تفکر فلسفه‌ی کودکان ایرانی با داستان‌خوانی سنجیده شده است. علاوه بر این، کتاب‌های فلسفی ایرانی با کتاب فلسفی غیرایرانی از نظر میزان رشد تفکر فلسفی مقایسه شده است. بنابراین نتایج این تحقیق از منظر عملی می‌تواند پیشنهادهایی را برای معلمان و برنامه‌ریزی جهت آموزش فلسفه و رشد تفکر فلسفی کودکان در پی داشته باشد. همچنین دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی آموزش و پرورش با استفاده از نتایج این پژوهش، می‌تواند نوع داستان‌های به کار رفته در متون کتاب‌ها را به گونه‌ای انتخاب کند که تاثیر بیشتری بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان داشته باشد. البته کانون پرورش فکری کودکان و سازمان بهزیستی نیز می‌توانند نتایج این تحقیق را برای تقویت تفکر مخاطبین خود به کار گیرند. شایان ذکر است که نتایج تحقیق حاضر، می‌تواند دانسته‌ها را در خصوص چگونگی به کارگیری داستان‌های فلسفی افزایش دهد و مرزهای دانش در خصوص تفاوت تاثیر داستان‌های ایرانی و غیرایرانی را گسترش دهد.

مبانی نظری

مهارت‌های فکری سطح پایینی که دانشجویان در زمان ورود به دانشگاه داشتند، مورد توجه یک پروفیسور فلسفه بنام متیولیپمن قرار گرفت. او به این نتیجه رسید که اگر قرار است برخورد جدی با این شود، باید هرچه زودتر و قبل از آنکه عادت‌های فکری در فرد تثبیت شود، به این مسئله رسیدگی کرد (Fisher, 2001). به همین خاطر، لیپمن فلسفه برای کودک یا همان p4c را وارد دبستان‌ها کرد. لیپمن در توضیح اینکه چرا سیستم تعلیم و تربیت افراد متفکری را بار نمی‌آورد، می‌گوید: ما به اندازه‌ی کافی کودک را به تفکر مستقل، افتخار کردن به برداشت‌های شخصی خویش، افتخار به داشتن نوعی دیدگاه در مورد مسائل که او می‌تواند آن دیدگاه را خاص خود بداند و راضی بودن به قدرت استدلال خود تشویق نمی‌کنیم (Lipman, 1983). به محض اینکه کودک اولین سال تحصیلی خود را شروع کرد، باید سریعاً در این مورد اقدام کنیم و بهبود وضعیت فکری او را به‌عنوان هدفی که همه‌ی حیطه‌های یادگیری او را در برمی‌گیرد، مورد توجه قرار دهیم. علاوه بر این خود تفکر (و نه تفکر درباره‌ی چیزی) را به‌عنوان یک موضوع مورد مطالعه به کودکان ارائه دهیم (Fisher, 2001).

فیشر معتقد است که از طریق تشویق کودکان به بحث کردن، یعنی واداشتن آنها به گفت‌وگو درباره‌ی جوانب امور می‌توان به این مهم رسید (فیشر، ۲۰۰۱). تصور کنید که با کودکان، فلسفه کار می‌کنید. برداشتی که از این موقعیت دارید، این است که نباید کلاسی را مشاهده کنیم که در بند آموزش افکار افلاطون، ارسطو، کانت باشد. بلکه باید از مفاهیمی استفاده شود که تا به حال برای کودکان گفته نشده است، این مفاهیم با کمک گرفتن از سوالات متفاوت خود کودکان سرچشمه می‌گیرد و در قالب داستان‌ها و رمان‌های کودکان است و به تقویت مهارت‌های تفکر و استدلال آنان می‌پردازد. داستان‌هایی که در بردارنده‌ی این ایده‌ها و مفاهیم فلسفی می‌باشد، کودکان را به نحو جالبی وارد حیطه‌ی فلسفه می‌کند (Marashi, 2006).

لیپمن (Lipman, 1983) بیش از ۳۰ مهارت مجزا را به‌صورت فهرست‌وار ذکر می‌کند که کودکان باید همه‌ی آنها را فرا بگیرند. اولین مهارت در فهرست او که مهارتی عمده محسوب می‌شود، تدوین شفاف و روشن مفاهیم می‌باشد. سوال رایج «منظور شما از گفتن... چیست؟» می‌تواند به روشن کردن ایده‌هایی که دارای کلمات به‌کار برده شده قرار گرفته‌اند، کمک کند. وقتی که یک مفهوم را در یک مجموعه به‌کار می‌گیریم باید کودکان را تشویق نمود تا مصادیق آن مفهوم را که کاملاً در محدوده‌ی آن مفهوم قرار می‌گیرند و

همچنین نمونه‌هایی که کاملاً خارج از حیطه آن مفهوم هستند را شناسایی نمایند (Fisher, 2001).

به عقیده مرعشی (Marashi, 2006) این برنامه مهارت‌هایی را در کودک بالا می‌برد. برخی از مهارت‌های این فهرست عبارت از سؤال کردن، استدلال کردن، تفکرخلاق، ارتباطات، کاوشگری و ارزشیابی می‌باشد.

داستان‌های فلسفی، محتوایی برای p4c

لیپمن به این نتیجه رسید که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان، استفاده از داستان است (Fisher, 2001). به همین خاطر در p4c یا همان فلسفه برای کودکان، داستان جایگاه خاصی دارد. اسپلیتر و شارپ (Splitter and Sharp, 1995) معتقدند که چون کودکان از داستان لذت می‌برند، از این طریق می‌توان آنها را برای تفکر و پرسیدن سؤال تشویق کرد و در آنها انگیزه به وجود آورد. به‌ویژه اگر داستان‌ها در مورد موضوعات و حوادثی باشند که رقابت و یا فریب در آنها باشد.

یکی از مؤلفه‌های اصلی برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، شکل کلاس و نحوه‌ی هدایت آن یعنی کلاس‌داری است. برای اینکه محور آموزش و پرورش، پژوهش و تحقیق باشد لازم است که کلاس‌های درسی تبدیل به حلقه‌های کند و کاو یا اجتماع پژوهشی^۱ شوند که در آن از رابطه‌ی دوستی و همکاری جهت مشارکت مثبت در فضای آموزشی استقبال می‌شود (Khosrow Nejad, 2007).

در این برنامه، معلم نقش یک تسهیل‌کننده را دارشته و شرایطی را ایجاد می‌کند که هر دانش‌آموز با هر توانایی و استعداد، پرسش خردمندانه بپرسد (Lim, 1998).

داستان‌های فلسفی چندین ویژگی بارز دارند. اولاً مورد علاقه کودکان هستند؛ چون شخصیت‌های اصلی آن کودکانی هستند که فکر می‌کنند و در مورد نظریات و ایده‌های جالب صحبت می‌کنند. ساختار مفهومی یا چارچوب داستان درهم تنیده شده است؛ به طوری که وقتی خواننده در مورد طرح و یا شخصیت‌های داستان فکر می‌کند، بی‌اختیار توجه خود را به افکار و ایده‌های فلسفی معطوف می‌دارد (Barati, 2009).

دوم داستان‌های فلسفی به سبک خاصی تعلق دارند که دارای هدفی خاص است. این هدف، دعوت کودکان به شرکت در گفت و گوی فلسفی درباره‌ی مفاهیم بحث انگیز و عادی که جزیی از تجربه زندگی انسان محسوب می‌شود، است. در این صورت کودکان یک هدف قوی آموزشی را دنبال می‌کنند که اغلب به نقاط عطف مفاهیم فلسفه و راهبردهایی

می‌پردازد که برای اندیشیدن طراحی شده‌اند. این داستان‌ها از یک طرف ابعاد آزمون فلسفه و از طرف دیگر انواع اندیشه‌ها و سبک‌های تفکر که در مورد علاقه کودکان است را دنبال می‌کنند (Barati, 2009).

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

مرعشی (Marashi, 2010) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم شهر اهواز، به این نتیجه رسید که اجرای آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی الف: بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم تأثیر مثبتی داشته است. ب: بر رشد قضاوت اخلاقی هر دو جنس دختر و پسر تأثیری یکسان داشته و تفاوت معنی‌داری بین آنها مشاهده نشده است. هدایتی (Hedayati, 2009) در رساله‌ای با عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه‌ی آموزش تفکر، با عنوان «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی، بر بهبود عزت نفس و مهارت‌های میان فردی در دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی سوم تا پنجم دبستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی شهر تهران پرداخت. عظیم‌پور (Azimpoor, 2008) با بررسی فلسفه برای کودکان و محتوای داستان‌های مناسب برای این موضوع به تأثیرات مثبت این مقوله بر مهارت‌های اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی اشاره کرد.

جهانی (Jahane, 2007) به نقل از براتی (Barati, 2009) در مقاله‌ای در مورد بررسی تأثیرات برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان، به این نتیجه رسید که برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان، از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی بین کودکان ایرانی برخوردار است و می‌تواند از طریق مهارت‌های پژوهشی، به تقویت منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کند و قادر است در کودکان مهارت‌هایی را به صورت منطقی رشد دهد و از این طریق می‌توان به پرورش ارزش‌ها و رفتارهای مبتنی بر آنها دست یافت.

ناجی و همکارانش در تحقیقی که بر روی دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم ابتدایی شهر تهران، انجام دادند، متوجه شدند که آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی اثر دارد (Naji, 2007).

نوروزی (Nowruzee, 2007) جهت بررسی تأثیرکار فلسفی با کودکان، به روش آزمایشی و به مدت ۸ ماه به اجرای این پژوهش در پایه‌های دوم تا پنجم دبستان پرداخته است، نتایج پژوهش نشان از این دارد که دانش‌آموزان نه تنها در زمینه‌ی رعایت بیشتر نظم در

کلاس، احترام به بزرگ‌ترها، مسئولیت‌پذیری، خلاقیت، عزت نفس، روابط صحیح با دیگران رشد کرده‌اند، بلکه اجرای برنامه کار فلسفی در زمینه‌ی پیشرفت تحصیلی آنان نیز مؤثر بوده است.

کاگلا (Cagla, 2010) برنامه فلسفه و پژوهش بر روی کودکان ترکیه را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که برنامه‌ی p4c به کودکان کمک می‌کند که به طریق دیگری فکر کنند و افرادی با تفکر سالم باشند که به نظرات دیگران احترام بگذارند، قادر به بیان حقوق خود باشند، ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند، توجه و تصحیح اشتباهات خود در زندگی روزمره‌ی خود را انجام دهند و نظرات جدید خود را به راحتی مطرح کنند (Cagla, 2010).

در پژوهشی که مهتا و وایت برید (Mahta & Whitebread, 2005) بر روی ۵۰ کودک (۲۶ پسر و ۲۴ دختر) دوازده و سیزده ساله، برای سنجش تأثیر آموزش فلسفه بر پیشرفت اخلاق و روابط اخلاقی انجام دادند، نتیجه گرفتند که برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان، تأثیری مثبت بر ابعاد اجتماعی و عاطفی کودکان داشته و باعث پیشرفت آنان، در زمینه‌ی رفتارهای اخلاقی مقبول و پذیرفته شده در اجتماع گردیده است.

لافورتون، دانیل و مونگو (Lafortune, Daniel and mongeau, 2003) با روش فلسفه برای کودکان، ریاضی را به مدت یک سال تحصیلی به دانش آموزان نه تا دوازده سال آموزش دادند. نتایج کمی و کیفی نشان می‌دهد که این روش فلسفی به دانش آموزان کمک می‌کند تا دیدگاه‌های منفی کمتری نسبت به ریاضیات داشته باشند. دانیل و همکاران (Daniel, et al., 2002) آشکار کردند که تفکر انتقادی از طریق p4c بالا می‌رود. این تحقیق نشان داد که یک برنامه‌ی آموزش ۹ هفته‌ای می‌تواند نتایج اثرگذاری نه فقط بر استدلال، بلکه بر خواندن کودکان داشته باشد. نتایج این مطالعه، معنی‌داری سطح بالایی را در دو سال و نیم بعد نشان داد.

هاینز (Hayns, 2002) با مطالعه بر روی دانش آموزان سرآمد، اثرات مثبت برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان را در تفکر انتقادی، استدلال مفهومی و پژوهش فلسفی با دانش آموزان نشان داد (Marashi, 2006).

مونتنس و ماریا (Montes and Mariya, 2001) و دانیل (Daniel, 1996)، فیلدز (Fields, 1995)، هارتا (Harta, 1991)، آلن (Alen, 1995)، جکسون و دوویچ (Jackson and Deouch, 1987)، مارتین (Martin, 1985)، ایوریو و همکارانش (Eyoryo, et al., 1984) و لیپمن و بیرمن (Lipman and Berman, 1970) در

تحقیق‌های جداگانه‌ای گزارش کردند که با اجرای برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان، دانش‌آموزان در مهارت‌های استدلال کردن و تفکر انتقادی، دقت کردن در صحبت‌های فرد مخاطب، دلایل منطقی آوردن و در خواندن و نوشتن به عملکرد بالاتری می‌رسند.

جمع‌بندی پیشینه‌ی پژوهش

طبق یافته‌های هاینز (Haynes, 2002)، جودی کین (Ken, 1999)، میشل و همکارانش (Mishel, et al., 1997)، فیلدز (Fields, 1995)، جکسون و دویچ (Jackson and Deouch, 1987)، لیپمن (Lipman, 1986)، مارتین (Martin, 1985)، ایوریو (Iorio, 1984)، کامینگز (Camings, 1981)، دونالد (Donald, 1981)، لیپمن و بیرمن (Lipman and Berman, 1970) و ناجی (Naji, 2007) برنامه‌ی آموزش تفکر فلسفی به‌ویژه داستان‌های فلسفی لیپمن و فیلیپ کم، توانایی استدلال، منطق و مهارت تفکر دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

همچنین برخی یافته‌های دیگر حاکی از این است که آموزش فلسفه به کودکان، بر روی مهارت‌های تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت می‌گذارد (لیپمن و بیرمن (Lipman and Berman, 1970)، ناجی و قاضی نژاد (Naji and Ghazi Nejad, 2007). طبق نتایج به‌دست آمده، دانش‌آموزانی که در کارگاه تفکر فلسفی شرکت کرده‌اند، در دروسی همچون ریاضی و مهارت خواندن و درک مطلب پیشرفت چشم‌گیری داشته‌اند (لافورتون، دانیل و مونگ او، ۲۰۰۳؛ دانیل و کلوز، ۲۰۰۲؛ اسپرادو، ۲۰۰۱؛ آلن، ۱۹۸۸ و مارتین، ۱۹۸۵). نتایج به‌دست آمده، همچنین نشان می‌دهد که بعد از اتمام کلاس‌های فلسفه به کودکان، تفکر انتقادی دانش‌آموزان رشد خوبی داشته است (Lafortune, Daniel, and mongeau, 2003 & Daniel and cols, 2002 & Esproda, 2001 & Alen, 1988 & Martin, 1985).

لازم به ذکر است که نتایج تحقیقات نشان داده که داستان‌ها و کلاس‌های فلسفی، علاوه بر اینکه خلاقیت دانش‌آموزان را بالا می‌برد؛ اضطراب آنان را نیز کاهش می‌دهد و عزت نفس آنان را ارتقا می‌بخشد (Daniel and cols, 2002 & Haynez, 2002 & Montes and Mariya, 2001 & Esproda, 2001 & Daniel, 1998 & Alen, 1988 & Evryo and cols, 1984).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی آموزش فلسفه، به کودکان نشان می‌دهد که فلسفه می‌تواند بر روی مهارت و منش اخلاقی و ارزش‌ها و رفتارهای کودک تاثیرات مثبتی بگذارد، جهانی (Jahanee, 2007)، ناجی و قاضی نژاد (Ghazi Nzhad, 2007).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشتر نتایج از تحقیقات سایر کشورها و با استفاده از برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان غیرایرانی حاصل شده است. حتی تحقیقات محدودی که در داخل کشور بر روی آموزش فلسفه به کودکان انجام شده نیز با استفاده از برنامه‌های آموزش غیرایرانی انجام شده و تحقیقاتی که به مقایسه‌ی داستان‌های فلسفی ایرانی و غیرایرانی پرداخته باشد، در ادبیات تحقیق به‌ندرت به چشم می‌خورد. بنابراین در تحقیق حاضر به‌خلاف مذکور توجه شده است و ضمن بررسی برنامه‌های آموزشی غیرایرانی مانند فیلیپ کم به بررسی تاثیر برنامه‌های فلسفی ایرانی از جمله کتاب‌های داستان‌های فلسفی خسرونژاد بر روی تفکر فلسفی کودکان پرداخته شده است و تاثیر آنها را مورد مقایسه قرار داده است.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- داستان‌های فلسفی ایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول تاثیر دارد.
- ۲- داستان‌های فلسفی غیرایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول تاثیر دارد.
- ۳- بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی استفاده شده است، از این‌رو داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی متغیر مستقل و رشد تفکر فلسفی کودکان متغیر وابسته است.

طرح تحقیق

در تحقیق حاضر از طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه‌های مستقل و گواه استفاده شده است.

پیش آزمون		دختر	گروه اول	گروه سوم	گروه پنجم		پس آزمون
		پسر	گروه دوم	گروه چهارم	گروه ششم		

در ابتدا پیش‌آزمون رشد تفکر فلسفی بر روی هر ۶ کلاس اجرا شد و در ادامه برای گروه یک دخترها و پسرها، تنها داستان‌خوانی به سبک رایج صورت گرفت و برای گروه دو دخترها و پسرها، داستان‌های فلسفی ایرانی (مجموعه‌ی ده جلدی داستان‌های تألیف دکتر خسرو نژاد) و برای گروه ۳ دخترها و پسرها، داستان‌های فلسفی غیرایرانی (داستان فیلیپ کم) به مدت ۱۰ هفته هر هفته سه ساعت اجرا شد و در پایان دوره‌ی داستان‌خوانی، تفکر فلسفی دانش‌آموزان در پس‌آزمون اندازه‌گیری شد. سعی شد قبل از اجرای جلسات قصه‌خوانی، رابطه‌ی صمیمانه و گرمی با دانش‌آموزان شکل بگیرد و قصه‌خوانی در محیطی گرم و دوستانه اجرا شود. شیوه‌ی قصه‌گویی در این کلاس‌ها به شکل تقلید حرکات و صدا نبوده، بلکه به صورت داستان‌خوانی بوده و در کلاس‌هایی که داستان‌های فلسفی گفته می‌شد، در پایان سئوالاتی که خود نویسنده عنوان کرده بود از دانش‌آموزان پرسیده می‌شد.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری متشکل از کلیه‌ی دانش‌آموزان مشغول به تحصیل کلاس اول ابتدایی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در مدارس ابتدایی شهر شیراز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای از بین ۴ ناحیه آموزش و پرورش شیراز، ناحیه ۱ انتخاب شده و از بین تمام مدارس ابتدایی ناحیه، یک مدرسه‌ی پسرانه و یک مدرسه‌ی دخترانه که هر کدام دارای ۳ کلاس اول بودند، انتخاب شد. تعداد دانش‌آموزان در مدرسه‌ی پسرانه جمعاً ۵۴ دانش‌آموز و در مدرسه دخترانه ۴۱ نفر بود.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار پژوهش شامل آزمونی است که فیلیپ کم (۱۹۹۵) در پایان کتاب کند و کاو فلسفی ارائه داده و شامل ۳ مهارت کاوشگری، مهارت‌های مفهومی و استدلالی و الگوهای تعاملی است که برای هر کدام از این مهارت‌ها ۶ سئوال طرح شده است.

پایایی و روایی ابزار تحقیق

البرزی (Alborzi, 2010) برای تعیین روایی این مقیاس در داخل علاوه بر همسانی درونی از روش تحلیل عاملی استفاده نموده و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده نموده است و نتایج را مطلوب گزارش نمودند. در ابتدا این پرسشنامه دارای ۱۸ گویه و ۳ عامل بود (مهارت‌های کاوشگری، مهارت‌های مفهوم و استدلال، مهارت‌های تعاملی) که بعد از نتیجه‌گیری توسط البرزی به دو عامل (مهارت‌های کاوشگری و مفهومی و استدلالی و مهارت‌های تعاملی) تغییر یافت. لازم به ذکر است که سوال ۶ این

پرسشنامه را خنثی اعلام کردند. آلفای کرونباخ کل سوالات را ۰/۹۷ و آلفای کرونباخ عامل اول ۰/۹۶ و آلفای کرونباخ عامل دوم را ۰/۹۳ اعلام کردند. در پژوهش حاضر، پایایی آزمون از طریق روش گاتمن ۰/۸۱ به دست آمد و ضریب همسانی درونی بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ بود. همچنین روایی آزمون نیز از طریق روایی صوری و محتوا احراز شد. از منظر صاحب نظران، آزمون مذکور قابلیت اندازه‌گیری تفکر فلسفی کودکان را دارا می‌باشد.

روش آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، ابتدا از روش‌های آمار توصیفی مانند جدول توزیع فراوانی طبقه‌بندی شده، میانگین، واریانس و انحراف استاندارد استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها و به منظور آزمون فرضیه‌ی تحقیق از آزمون t و تحلیل واریانس استفاده شد و نتایج با نرم افزار SPSS محاسبه گردید.

یافته‌های پژوهش

در زمینه‌ی فرضیه اول تحقیق، مبنی بر تاثیر داستان‌های فلسفی ایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول، تفاوت نمرات پس آزمون و پیش آزمون محاسبه شد (نمره افزوده). سپس از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج در جدول ۱ مشخص شده است.

جدول ۱: آزمون تی مستقل برای مقایسه متغیر تفکر فلسفی

درد و گروه داستانهای فلسفی ایرانی و عادی

مرحله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
پیش آزمون	فلسفی ایرانی	۳۱	۵۵/۶۸	۱۱/۸۹	۱/۵۱	۵۸	۰/۱۴
	عادی	۲۹	۵۰/۸۳	۱۲/۹۵			
پس آزمون	فلسفی ایرانی	۳۱	۶۶/۰۳	۸/۹۲	۳/۱۴	۵۸	۰/۰۰۳
	عادی	۲۹	۵۷/۶۶	۱۱/۴۷			
تفاضل	فلسفی ایرانی	۳۱	۱۰/۳۵	۱۱/۰۶	۲/۰۷	۵۸	۰/۰۴
	عادی	۲۹	۶/۸۳	۵/۶۸			

ملاحظه می‌شود که در پیش آزمون متغیر تفکر فلسفی بین دو گروه فلسفی ایرانی و عادی تفاوت معنی دار وجود ندارد. ولی در پس آزمون بین دو گروه تفاوت معنی دار وجود دارد ($P \leq 0/003$ ، $t = 3/14$). همچنین در پس آزمون، میانگین تفکر فلسفی گروه فلسفی ایرانی بیشتر از گروه عادی می‌باشد. برای جلوگیری از تاثیر متغیرهای ناخواسته بر نتایج پژوهش از روش نمره‌ی افزوده ۱ استفاده شد. برای این منظور، ابتدا تفاضل میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در هر گروه محاسبه شد و سپس آزمون تی مستقل اجرا

۱۴۶ مقایسه‌ی تاثیر داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و داستان‌های عادی بر ...

شد. در تفاضل نیز بین دو گروه ($t = 2/07$ ، $P \leq 0/04$) تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از $0/05$ می‌باشد، بدین معنا که داستان‌های فلسفی ایرانی تاثیر بیشتری بر رشد تفکر فلسفی کودکان داشته است. به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر اینکه داستان‌های فلسفی غیرایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه اول تاثیر دارد، ابتدا تفاوت نمرات پس‌آزمون و پیش‌آزمون محاسبه شد، سپس از آزمون تی مستقل استفاده شد، نتایج این بررسی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون t مستقل برای مقایسه متغیر تفکر فلسفی در دو گروه داستان‌های فلسفی غیرایرانی و عادی

مرحله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	فلسفی غیرایرانی	۳۴	۵۶/۵۹	۱۲/۶۴	۱/۶۸	۶۱	۰/۱۲
	عادی	۲۹	۵۰/۸۳	۱۲/۹۵			
پس‌آزمون	فلسفی غیرایرانی	۳۴	۶۱/۶۸	۱۲/۷۶	۱/۳۲	۶۱	۰/۱۹
	عادی	۲۹	۵۷/۶۶	۱۱/۴۷			
تفاضل	فلسفی غیرایرانی	۳۴	۵/۰۹	۸/۱۲	۱/۲۱	۶۱	۰/۲۷
	عادی	۲۹	۶/۸۳	۵/۶۸			

همان‌طور که در جدول فوق مشخص شده، در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و تفاضل متغیر تفکر فلسفی، بین دو گروه داستان‌های فلسفی غیرایرانی و عادی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد، با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از $0/05$ نمی‌باشد ($P = 0/27$). بدین معنا که داستان‌های فلسفی غیرایرانی و عادی تاثیر متفاوتی بر رشد تفکر فلسفی کودکان نداشته است. البته بین پیش‌آزمون داستان‌های فلسفی غیرایرانی و عادی نسبت به پس‌آزمون آنها تغییراتی مشاهده شده، ولی این تفاوت در حد معنادار نبوده است.

به منظور بررسی فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر اینکه بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ابتدا تفاوت نمرات پس‌آزمون و پیش‌آزمون محاسبه شد، سپس از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد؛ نتایج این بررسی در جداول ۳ تا ۵ ارائه شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیر تفاضل تفکر فلسفی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
فلسفی ایرانی	۳۱	۱۰/۳۵	۱۱/۰۶
فلسفی غیر ایرانی	۳۴	۵/۰۹	۸/۱۲
عادی	۲۹	۶/۸۳	۵/۶۸
کل	۹۴	۷/۴۳	۸/۹۱

جدول فوق میانگین و انحراف استاندارد تفکر فلسفی را بر حسب گروه نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت میانگین پیش آزمون و پس آزمون مربوط به داستان‌های فلسفی ایرانی است. به طوری که میانگین در داستان‌های فلسفی ایرانی ۱۰/۳۵، در داستان‌های فلسفی غیرایرانی ۵/۰۹ و در داستان‌های عادی ۶/۸۳ به دست آمده است.

جدول ۴: تحلیل واریانس یکطرفه برای تعیین تفاوت میان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه اول که داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی مورد استفاده قرار داده‌اند

منابع تغییر	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۶۳۸/۰۳	۳۱۹/۰۱	۲		
درون گروهی	۶۷۴۹/۹۷	۷۴/۱۷	۹۱	۴/۳۰	۰/۰۲
کل	۷۳۸۸		۹۳		

جدول فوق نشان می‌دهد که بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های عادی، فلسفی ایرانی و فلسفی غیرایرانی را مطالعه کرده‌اند، تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۲ وجود دارد. همچنین نتایج آزمون تعاقبی شفه نشان داد که بین میانگین تفکر فلسفی دانش‌آموزانی که داستان‌های فلسفی ایرانی را مورد استفاده قرار داده‌اند با دانش‌آموزانی که داستان‌های فلسفی غیرایرانی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنادار در سطح ($P < 0/02$) وجود دارد.

جدول ۵: آزمون تعقیبی شفه برای تعیین تفاوت متغیر تفکر فلسفی در سه گروه

گروه‌ها	فلسفی ایرانی	فلسفی غیرایرانی	عادی
فلسفی ایرانی	_____	۰/۰۲*	۰/۲۹
فلسفی غیرایرانی	۰/۰۲*	_____	۰/۴۶
عادی	۰/۲۹	۰/۴۶	_____

به منظور بررسی فرضیه چهارم پژوهش، مبنی بر اینکه بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ابتدا تفاوت نمرات پس آزمون و پیش آزمون محاسبه شد؛ سپس از آزمون تی مستقل استفاده شد، نتایج این بررسی در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: آزمون t مستقل برای بررسی تاثیر داستانهای فلسفی بر رشد تفکر فلسفی دانش آموزان پسر و دختر پایه اول ابتدائی

مرحله	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پیش آزمون	دختر	۱۵	۵۶/۳۳	۱۲/۸۷	۱/۷۰	۲۹	۰/۱۰
	پسر	۱۶	۵۲/۲۵	۱۲/۱۱			
پس آزمون	دختر	۱۵	۶۲/۶۷	۱۱/۶۴	۲/۰۹	۲۹	۰/۰۵
	پسر	۱۶	۶۹/۱۹	۳/۲۷			
تفاضل	دختر	۱۵	۳/۳۳	۶/۲۴	۴/۳۸	۲۹	۰/۰۰۰۱
	پسر	۱۶	۱۶/۹۴	۱۰/۶۲			

با توجه به جدول ملاحظه می‌شود که اختلاف میانگین رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول ابتدایی پس از ارایه‌ی داستان‌های فلسفی، افزایش بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دختر داشته است. t مشاهده شده برابر با ۴/۳۸ و درجه آزادی ۲۹، تفاوت میانگین در دو گروه در سطح ($P < ۰/۰۰۰۱$) معنی‌دار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بخش ارائه‌ی نتایج آمد، داستان‌های فلسفی ایرانی در مقایسه با داستان‌های عادی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان تاثیر معنی‌دار داشته است ($t = ۲/۰۷$)، ($P = ۰/۰۴$) بدین معنا که می‌توان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی را با ارائه‌ی داستان‌های فلسفی ایرانی افزایش داد. با توجه به اینکه در این تحقیق مجموعه داستان‌های دکتر خسرو نژاد (Khosro Nzhad, 2010) به‌عنوان داستان‌های فلسفی ایرانی مورد استفاده قرار گرفت، بنابراین این داستان‌ها با ایجاد سوالات مناسب و استدلال‌های کاربردی و ایجاد فرصت تفکر، سبب افزایش تفکر فلسفی دانش‌آموزان می‌شود. نتایج این بخش با نتایج تحقیقات عظیم‌پور (Azimpoor, 2008)، جهانی (Jahane, 2007)، مرعشی (Marashee, 2006)، فیشر (Fisher, 2001)، لیم (Lim, 1998) و لیپمن (Lipman, 1988) همسو بوده است.

همچنین در نتایج مشخص شد که داستان‌های فلسفی غیرایرانی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول تاثیر ندارد. در تفسیر این یافته باید گفت داستان‌های غیرایرانی به‌دلیل داشتن نامها و اصطلاحات غیرایرانی، نتوانسته با کودکان مانند داستان‌های فلسفی ایرانی ارتباط برقرار کنند. بنابراین تغییرات به‌وجود آمده در تفکر فلسفی کودکان معنی‌دار

نشده است. این یافته نشان می‌دهد که داستان‌های فلسفی ایرانی به دلیل اینکه با فرهنگ اصطلاحات ما عجین بوده و درک این‌گونه داستان‌ها برای کودکان بهتر و روان‌تر بوده است، پس توانسته تاثیر بهتر و رشد بیشتری را برای کودکان به همراه داشته باشد. در مقابل، داستان‌های غیرایرانی به دلیل داشتن نامها و اصطلاحات غیرایرانی، کودکان نمی‌توانند با آنها مانند داستان‌های فلسفی ایرانی ارتباط برقرار کنند.

از سوی دیگر یافته نشان داد که بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی را مورد استفاده قرار داده‌اند، در سطح ۰/۰۲ تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون تقییبی شفه نیز نشان داد که بین میانگین تفکر فلسفی دانش‌آموزانی که داستان‌های فلسفی ایرانی را مورد استفاده قرار داده‌اند با دانش‌آموزانی که داستان‌های فلسفی غیرایرانی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنادار وجود دارد. به زبان دیگر، داستان‌های فلسفی در کل رشد تفکر را به دنبال دارد که این مورد را پژوهشگرانی چون جهانی (Jahani, 2007)، مرعشی (Marashi, 2006)، فیشر (Fisher, 2001) و لیپمن (Lipman, 1988) تاکید کرده‌اند، ولی در این بخش روی داستان‌های فلسفی ایرانی هم کار شده است که نشان داد، داستان‌های فلسفی ایرانی تاثیرات بیشتری نسبت به داستان‌های غیرایرانی بر رشد تفکر دانش‌آموزان داشته است. در تفسیر این بخش باید به این نکته اشاره کرد که کتاب (فیلیپ کم) دارای جملات و تصاویری است که نمی‌تواند به خوبی با کودکان ارتباط برقرار کند، اما کتاب‌های (خسرونژاد) با جملات و طراحی و رنگ‌های مناسب سن کودک، این اجازه را به مخاطب خود می‌دهد که داستان را در ذهن خود پیروانند.

همچنین در یافته‌ها آمد که بین میزان تفکر فلسفی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌ی اول ابتدایی که داستان‌های فلسفی را مورد استفاده قرار داده‌اند، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر رشد تفکر فلسفی پسرها پس از ارائه‌ی داستان‌های فلسفی از دختران بیشتر بوده است؛ در نتیجه این بخش با نتایج تحقیقات قاعدی (Ghaedee, 2004)، دانیل (Daniel, 1998) و هارتا (Harta, 1991) همسو بوده است. در تفسیر این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که در جریان ارائه‌ی داستان‌های فلسفی، دختران نگاهی اخلاقی داشتند و بیشتر اتفاقات را به کارهای خوب و بد تقسیم می‌کردند و با مثال‌هایی از تجربیات خودشان این مساله را برای دوستان‌شان تفهیم می‌کردند. در مقابل پسران داستان‌ها و ماجراها را دنبال می‌کردند، ولی در پاسخ به سوالات، سعی داشتند از متن

همان داستان کمک بگیرند و در صورت نبود پاسخ در متن، از تخیل و حدس‌های خود استفاده می‌کردند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود کلاس‌هایی برای معلمان و مربیان پیش‌دبستانی جهت آموزش چگونگی تدریس تفکر فلسفی به کودکان برگزار شود.
- ۲- با توجه به این‌که داستان‌های فلسفی ایرانی بر رشد تفکر دانش‌آموزان تاثیر داشت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان در برنامه‌های درسی مدارس و مراکز پیش‌دبستانی قرار گیرد.
- ۳- از آنجا که کتاب‌های خسرونژاد در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت و باعث افزایش تفکر فلسفی کودکان شد، پیشنهاد می‌شود خواندن کتاب‌های فلسفی ایرانی به‌ویژه کتاب‌های دکتر خسرونژاد در مراکز پیش‌دبستانی و دبستانی مدنظر قرار گیرد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- به محققان و پژوهشگران پیشنهاد‌های پژوهشی زیر ارائه می‌شود.
- ۱- بررسی تاثیر داستان‌های قرآنی و داستان‌های فلسفی ایرانی بر رشد تفکر دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی.
 - ۲- بررسی تفاوت تاثیر داستان‌هایی که معلم در کلاس بازگو می‌کند، با دانش‌آموزانی که همین داستان‌ها را با نرم‌افزارهای متنوع و با انیمیشن مشاهده می‌کنند.
 - ۳- بررسی تاثیر داستان‌های اساطیر ایرانی مانند شاهنامه‌ی فردوسی بر رشد تفکر فلسفی دانش‌آموزان.

محدودیت‌های اجرایی

- ۱- به دلیل اینکه زمان در تمام مدت جلسات برای تمام گروه‌ها کنترل می‌شد و یکسان بود؛ بنابراین باید ساعات مشخصی روی دانش‌آموزان کار می‌شد. اکثر معلمان ساعات چهارم و پنجم را در اختیار محقق قرار دادند که در این ساعات دانش‌آموزان خسته به نظر می‌رسیدند و محقق باید زمانی را برای ایجاد انگیزه در آنها صرف می‌کرد.
- ۲- یکی از محدودیت‌های مهم اجرایی تحقیق، قانع کردن مدیران و معلمان و اولیا برای شرکت در این طرح بود.
- ۳- عدم آشنایی قبلی معلمان با برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان باعث صرف وقت زیادی شد.

Reference:

- Aghayani Chavoshee, J. (2008). Philosophy for children in Iran against the dictatorship of educational system. Iranian Daily Newspaper named Iran. No 388, P. 10.
- Allen, T. (1988). Doing philosophy with children. *thinking*, no 3
- Azimpoor, A. (2008). A survey on the effectiveness of educating narratives with philosophical approaches for children considering the change of behavior in fifth graders. Unpublished MA thesis. Islamic Sciences College.
- Barati, M. (2009). A survey on the effects of society research on educating the argumentative skills of female fourth graders in Isfahan city. Unpublished MA thesis of Allameh Tabatabaee University.
- Cagla, G. (2010). Philosophy in the early years :In international conference on education and education psychology (icepsy 2010).
- Cam, Ph. (1995). *Thinking Together: Philosophical Inquiry For The Classroom*, Australian Print Group, Maryborough, Victoria.
- Cam, Ph. (1994). *The philosophy of education*. Translated by Beheshti, S. (1998). Mashhad: Astan Ghods Razavi.
- Daniel, M.F. (1996). p4c in pre service teacher education :analytic teaching ,19, no.1.
- Daniel, M.F . and cols. (2002): *The development of dialogical critical thinking*.
- Fisher, R. (2001). philosophy in primary schools :Fostering thinking skills and literacy ,reading, july 2001, pp67-73.
- Fisher, R. (2003). *Education and thought*. Translated by Kianzadeh, F. (2009). Rasesh.
- Ghaedi, Y. (2004). *Teaching philosophy to children*. Tehran. Davavin.
- Ghaedi, Y. (2007). The possibility of teaching philosophy to children: a challenge on the concept of philosophy. *Journal of Curriculum Studies*. No. 7.
- Haynes, A. (2002). *children as philosopher*. Rutledge Hammer .London and New York.
- Hedayati, M. (2009). A survey on the effects of performing philosophical programs called “philosophy for children” and the society research on the improvement of elementary students` interrelationships in Tehran capital city. *Journal of New Ideas in Education*. No. 3.
- Iorio, J. (1984). a review of district 24. philosophy for children program. in *thinking* 5(2)28-35.

Khosrow Nejad, M. (2007). A contemplation on the association of the literature of children and philosophy, regarding the philosophical programs for children. *Journal of Educational Innovations*. No. 20.

Khosrow Nejad, M. (2010). A guide to the evaluation of stories for thinking. Mashhad: Behnashr.

Lafortune, L. and Daniel, M. and Mongeau, P. (2003). philosophy for children adapted to mathematics. in *analytic teaching* vol.23, no1

Lafortune, L. and Daniel, M. (2003). community of enquiry in mathematics for higher education”

Lim. (1998). philosophy for children (or thinking together). *student mentor mag* nov/des 2003/19/11 page 12.

Lipman, M. (1983). *thinking Skills Fostered by philosophy for children*, Institute for the Advancement of philosophy for children, quoted in Close and Robinson (1991), p.13

Lipman, M. (2003). An interview with Mehr News (2004). <http://www.Mehrnews.com>.

Marashi, M. (2006). The effects of society research on educating the argumentative skills of male third graders of junior high schools in Ahwaz city presented in a national congress on humanities.

Marashi, M. (2007, a). Philosophical teaching for children: a research on teaching thinking methods presented in the national congress on humanities entitled present situation and the prospects of tomorrow.

Marashi, M. (2007, b). The effects of society research on educating the argumentative skills of female third graders of junior high schools in Ahwaz city. *Journal of Curriculum Studies*. No. 7.